آثار معنوى زكات‏

محمدرضا ايزدپور

در ابتداى نوشتار حاضر كه به تبيين برخى فوايد و آثار معنوى يكى از واجبات بزرگ و فراموش شده الهى، يعنى زكات مى‏پردازد، يادآورى اين نكته لازم است كه اين حكم و قانون شرعى كه سابقه آن به پانزده سال(1) پس از بعثت نبى اكرم‏صلى الله عليه وآله مى‏رسد از چنان محجوريتى برخوردار است كه همواره در اغلب جوامع ايرانى مورد بى مهرى قرار گرفته است!

زكات به عنوان يكى از عوامل مهم برقرارى عدالت اجتماعى، مبارزه با جلوه‏هاى زشت فقر، تقويت كننده بنيه مالى حكومت اسلامى و پركننده فاصله‏هاى وحشتناك طبقاتى، همواره مورد بى توجهى واقع شده است.

در اين مجال توجه همه مخاطبان گرانقدر را به چند پرسش از مجموعه سؤالاتى كه مى‏توان درباره زكات مطرح نمود، جلب مى‏كنم:

- مگر نه آنكه زكات يكى از ضروريات و مسلمات دين اسلام است؟

- مگر نه آنكه از زكات پا به پاى نماز در 27 آيه قرآن نام برده شده است؟

- مگر نه آنكه پيامبر اكرم‏صلى الله عليه وآله، منافقين را از مسجد، اخراج ننمود اما كسانى كه زكات اموال خويش را نمى‏پرداختند از مسجد بيرون كرد؟

- مگر نه آنكه در احاديث بسيارى وارد شده است كه نماز اشخاصى كه زكات نمى‏پردازند مورد قبول حق واقع نمى‏گردد؟(2)

- مگر نه آنكه بنابر مفاد احاديث اسلامى، دليل نابود گرديدن اموالى كه در دريا و خشكى، دچار حادثه و بلا مى‏شوند، نپرداختن زكات است؟!(3)

آرى به راستى كه زكات، رتبه‏اى بس درخشان و پراهميت در بين انواع بخششها و صدقات دارد و در كلمات بزرگان دين، خواص و آثار فراوانى براى اين واجب، بيان گرديده است.

قبل از آنكه در حد گنجايش اين نوشتار كوتاه، برخى از آنها را بررسى كنيم، جا دارد به جايگاه واقعى اين تكليف الهى كه همواره در قرآن پابه پاى نماز از آن نام برده شده و بدان توصيه گرديده، نظرى گذرا داشته باشيم.

الزام به نماز و زكات، كه همواره در تمام اديان مورد توجه بوده‏اند امرى عقلى است؛ زيرا نماز به معناى اظهار تواضع و كرنش در برابر حق و زكات به معناى پركردن كاستيها و ناهمواريهاى موجود در عرصه زندگى فردى و اجتماعى است؛ بدين سان كه ضرورت اين دو مطلب را عقل به خوبى درك مى‏كند.

عقل ما به تنهايى اين مطلب را مى‏فهمد و مى‏داند كه بايستى در برابر خالقِ قادر و هستى بخش خويش سر تعظيم و خضوع فرود آورَد و در برابر نمادهاى فقر مادى در جامعه، ديگر گرا بوده و در اين جهت بى تفاوت نباشد. نه تنها عقل بلكه انسان با فطرت پاك خويش اين دو حقيقت را مى‏يابد.(4)

بنابراين آياتى از قبيل «أقيموا الصلوة و آتوالزكاة» ارشاد و اشاره به حكم عقل دارند و در واقع دو حكم عقلى را مورد تأييد، تاكيد و امضاء قرار مى‏دهند. هر چند در اديان مختلف، اين دو امر مهم (زكات و نماز) داراى مصاديق گوناگونى بوده‏اند؛ ليكن مصداق اكمل آنها در دين مبين اسلام مى‏باشد.

برخى فوايد و آثار زكات‏

1- پيش‏گيرى از جلوه‏هاى دردناك عذاب اخروى:

چنانكه از آيات و احاديث متعددى به دست مى‏آيد، يكى از آثار معنوى قابل توجه پرداخت زكات، پيش‏گيرى از عذابهاى گوناگون الهى در قيامت است. در اين مجال به برخى از آيات و احاديث در اين باره اشاره مى‏كنيم.

«و لايحسبنّ الذين يبخلون بما آتهم الله من فضله هو خيراً لهم بل هو شرٌ لهم سيطوقون ما بخلوا به يوم القيمة و لله ميراث السماوات و الارض و الله بما تعملون خبيرٌ»(5)

اين آيه به بيان سرنوشت انسانهاى بخيل در روز رستاخير پرداخته و مى‏گويد كسانى كه همواره از انفاق كردن در راه خدا خوددارى كرده و از آنچه خداوند از فضل و كرم خود بدانها عنايت نموده به ديگران كمك نمى‏كنند تصور نكنند كه اين كار آنها به نفعشان است، بلكه اين را بدانند كه به زودى اموالى كه آنها بخل ورزيده‏اند به گردن آنان مانند طوقى آويخته خواهد شد.

هر چند در ظاهرِ اين آيه نامى از زكات به ميان نيامده است، اما در احاديث اسلامى و كلمات مفسران، آيه فوق به كسانى اختصاص داده شده كه از پرداخت زكات اموال خويش خوددارى مى‏ورزند.(6)

نكته قابل توجه در اين آيه، قانون «تجسم اعمال» است كه خداى متعال بدان تصريح نموده و با تعبير «سيطوقون» به انسانها فهمانيده است كه تجسم آخرتى پرداخت نكردن زكات اموال، اين است كه به صورت زنجير و طوق به گردن انسان آويخته مى‏شود؛ زيرا اگر اموال انسان از حد معينى بگذرد با توجه به اين كه بهره ورى از آنها محدود به حدود مشخصى مى‏باشد، در آن صورت براى انسان نحوه‏اى اسارت، بردگى و سنگينى به دنبال خواهد داشت كه تجسم حقيقى آن در رستاخير، همان طوق اسارت است.

چنانكه در تفسير عياشى از امام باقرعليه السلام‏آمده است كه آن بزرگوار فرمود:

«شخصى كه زكات مال خود را نپردازد خداوند مال او را به طوقهايى از آتش مبدل مى‏سازد و سپس به او خطاب مى‏شود: "همان طور كه در دنيا حاضر نبودى به هيچ قيمتى آنها را از خود جدا كنى اكنون نيز آنها را به گردن خويش بياويز"!»(7)

همچنين در احاديث مختلف از معصومان‏عليهم السلام‏به چنين واقعيتى تصريح شده است. به عنوان نمونه محمد بن مسلم مى‏گويد: از امام باقرعليه السلام‏سؤال كردم كه مراد از «سيطوقون مابخلوا به يوم القيامة» چيست؟ حضرت فرمود:

«هر انسانى كه از پرداخت زكات خوددارى نمايد، خداوند در روز جزا براى او يك افعى (اژدها) از جنس آتش قرار مى‏دهد كه بر گردن او مانند طوقى آويخته مى‏شود و همواره از گوشت بدن او تغذيه مى‏كند تا آن شخص از حسابرسى آن صحنه فارغ شود.»(8)

در حديث ديگرى آمده است كه امام پنجم فرمود:

«خداى متعال در روز قيامت انسانهايى را از قبر برمى‏انگيزد در حالى كه دستهاى آنان بر گردنهايشان گره خورده است به گونه‏اى كه توانايى برداشتن هيچ چيز سبك را نيز ندارند، همراه آنان فرشتگانى هستند كه پيوسته آنها را سرزنش نموده و مى‏گويند: " اينها كسانى هستند كه از مال بسيارى كه خداوند به آنها ارزانى داشته بود حق خدا را نپرداختند".»(9)

2- جلب رحمت و عطوفت فراگير الهى:

از برخى آيات قرآن و احاديث استفاده مى‏شود كه خداى متعال برخود لازم نموده كه بر دهندگان زكات، سايه رحمت خويش را بيفكند و آنها را مورد عنايات خاص خود قرار دهد.(10)

به عكس، در برخى احاديث نيز آمده كه خداوند بر خود لازم نموده كسانى كه حق او را در اموال خود نپرداخته‏اند مشمول رحمت بى نهايت خويش قرار ندهد.(11)

3- پيش‏گيرى از طوفان غضب و خشم الهى:

در بعضى احاديث آمده است كه دهندگان زكات از غضب ذلت‏آميز خداوند در امان بوده و اين كار شايسته آنان زبانه‏هاى خشم خداوند را در ساحل آرامش و خاموشى فرو مى‏نشاند.(12)

4- پيش‏گيرى از كفر، شرك و سلب ايمان:

از آنجا كه كفر داراى مراتب و درجات گوناگونى مى‏باشد در يكى از آيات قرآن كسانى كه زكات نمى‏پردازند متهم به «كفر به آخرت» و «شرك به خدا» شده‏اند.(13)

بدين معنا كه چنين اشخاصى با اين بى‏توجهى به زكات كه يكى از احكام ضرورى دين است، در واقع به خدا شرك ورزيده، منكر قيامت و آخرت گرديده و از آن روى گردان شده‏اند.

درباره مضمون عجيب اين آيه از دير باز در بين مفسران قرآن، احتمالات متعددى مطرح بوده است؛ زيرا براى همه، جاى اين سؤال بوده كه مگر نه آنكه زكات يكى از فروع دين اسلام مى‏باشد، پس چه توجيهى مى‏توان داشت بر اين كه ترك كننده آن، كافر يا لااقل مشرك باشد؟!

براى اين سؤال، پاسخهاى متعددى مى‏توان بيان داشت. ما دو پاسخ را بيان مى‏كنيم:

الف. مراد از «زكات» در اين آيه همان مفهوم عمومى آن يعنى «انفاق» است، و ترك كننده انفاق كه مشرك ناميده شده بدان جهت است كه انفاق مالى در راه كسب رضايت خداى متعال يكى از بهترين و واضح‏ترين نشانه‏هاى ايثار و عشق و محبت به خدا مى‏باشد؛ چه آنكه اموال در چشم انسانها بسيار عزيز و پراهميت است و ترك انفاق مال مى‏تواند در اغلب موارد به عنوان يك شاخص براى شرك و ايمان محسوب گردد؛ تا بدانجا كه برخى از انسانها، اموال خود را تا سر حد جان يا بيش‏تر از آن دوست دارند و حاضر به هيچ گونه انفاقى نيستند.

ب. زكات در بين دستورات اسلامى از موقعيت خاصى برخوردار است. از يك سو توجه به آن مى‏تواند علامت به رسميت شناختن حاكميت اسلامى در جامعه باشد و از سوى ديگر بى توجهى و ترك نمودن آن مى‏تواند در بيش‏تر موارد به عنوان يك سركشى عليه حاكميت اسلامى به شمار آمده و موجبات كفر شخص را فراهم سازد.(14)

چنان كه در برخى تفاسير مى‏خوانيم كه پس از رحلت غم‏انگيز پيامبر اكرم‏صلى الله عليه وآله گروهى به نام «اصحاب ردّه» اعلان كردند كه ما نمازهايمان را مى‏خوانيم ولى اجازه نخواهيم داد اموالمان با پرداخت زكات مورد غصب قرار گيرد!

پيرو اين سخنان بيهوده، مسلمانان ديگر تصميم به جنگ با آن گروه را در سر پرورانده و اين گفته آنان را دليل بر ارتدادشان گرفتند.(15)

در احاديث بسيارى نيز وارد شده كه تارك زكات مرتكب كفر به خداى متعال گرديده و از او سلب ايمان و ارزش مى‏شود.(16) به عنوان نمونه به اين حديث توجه كنيد:

نبى اكرم‏صلى الله عليه وآله در يكى از وصيتهاى خود به حضرت اميرعليه السلام‏فرمودند:

«اى على! ده گروه از امت من به خداى بزرگ كفر ورزيده‏اند.»

آنگاه يكى از آن ده گروه را ترك كنندگان زكات نام برده و سپس فرمود:

«اى على! كسى كه ذره‏اى از زكات اموالش را نپردازد مؤمن نيست و در درگاه الهى داراى ارزش نمى‏باشد.»(17)

5 - پيش‏گيرى از اظهار ندامت و تقاضاى فرصتى مجدد در هنگام حسابرسى:

يكى از آيات تكان دهنده قرآن كه بنابر تفسير ائمه معصوم‏عليهم السلام‏مربوط به ترك كنندگان زكات است آيه ذيل مى‏باشد:

«زمانى كه مرگ يكى از آنها فرا مى‏رسد مى‏گويد مرا به دنيا بازگردانيد تا كوتاهيهاى گذشته خود را جبران كنم، ولى مسلماً چنين نخواهد بود و اين درخواست آنان، تنها بر زبانشان جارى شده و از دل برنخاسته است.»(18)

امام صادق‏عليه السلام‏در اين زمينه مى‏فرمايد:

«كسى كه زكات اموال خود را نپردازد هنگام مرگ آرزوى بازگشت به دنيا را مى‏كند و اين همان معناى كلام الهى است كه «اذا جاء أحدهم الموت قال رب ارجعون لعلى اعمل صالحاً فيما تركت ...» .»

6 - پديد آمدن حالت كرامت و بزرگوارى براى نفس و بركت در اموال:

دهنده زكات با ايثار مالى خود در واقع از يك سو به نوعى كرامت و بزرگى دست مى‏يابد كه در ديدگاه بزرگان علم اخلاق به عنوان يكى از صفات شايسته و يكى از فضايل مهم نفسانى به شمار مى‏آيد،(19) و از سوى ديگر با اين عمل شايسته خود، بركات الهى را به سوى اموال خويش سرازير مى‏سازد.(20)

7 - پيش‏گيرى از بخل:

يكى از صفات زشت اخلاقى كه همواره انسان را به سوى سقوط مى‏كشاند، صفت بخل به معناى «بسته بودن دست انسان در امور مالى» است. بدين سان كه انسان حاضر نباشد از مال خود خرج نموده و به ديگران نفعى برساند.(21)

بنابر تصريح احاديث، يكى از آثار معنوى پرداخت زكات، از بين بردن ريشه‏هاى بخل از درون دل و كاشتن نهال زيبا و با بركت سخاوت به جاى آن مى‏باشد.(22) در اين جا دو نمونه از اين احاديث را بيان مى‏كنيم:

الف. پيامبر اكرم‏صلى الله عليه وآله‏فرمود:

«بخيل كسى است كه از دادن زكات واجب اموال خود خوددارى ورزد.»(23)

ب. حضرت امام صادق‏عليه السلام‏از پدران بزرگوار خود و آنها از رسول گرامى اسلام‏صلى الله عليه وآله‏نقل كرده‏اند:

«زمانى كه خداى متعال براى بنده‏اى از بندگان خود "خير" بخواهد دست عنايتش را به واسطه برخى از ملكوتيان بر روى سينه او گذارده و با پرداخت زكات او را مزيّن به صفت سخاوت مى‏گرداند.»(24)

8 - حسرت اهل محشر به دهنده زكات:

حضرت رسول اكرم‏صلى الله عليه وآله‏فرمود:

«كسى كه زكات مال خويش را به مستحقان آن بپردازد و نماز خود را صحيح اقامه كند، و پس از آن با رياكارى و كارهاى منفى و ناشايست، آنها را از بين نبرد، در روز قيامت به گونه‏اى محشور مى‏گردد كه تمام انسانهايى كه در محشر هستند بر او حسرت خورده و سپس نسيم و رائحه خاص بهشتى، چنين شخصى را به والاترين قصرهاى بهشتى در جوار «محمد و آل محمد» هدايت نموده و در آنجا استقرار خواهد يافت.»(25)

9- صدق عنوان «نيكوكار» بر دهنده زكات:

قرآن در يكى از آيات خود، در زمره مهم‏ترين و اصلى‏ترين اصول نيكى و احسان، زكات را محسوب نموده و به صراحت اعلان داشته كه يكى از مواردى كه عنوان «بِرّ» بر آن صدق مى‏كند، پرداخت حقوق مالى واجب در قالب زكات است.(26)

10- پذيرش نماز مشروط به پرداخت زكات:

در احاديث بسيارى آمده است كه شرط قبول گرديدن نماز در درگاه خداى متعال، پرداخت زكات مى‏باشد.(27)

به دو حديث ذيل توجه كنيد:

الف. حضرت امام صادق‏عليه السلام‏مى‏فرمايد:

«زمانى كه آيه زكات «خذ من اموالهم صدقة تطهرهم و تزكيهم بها» در ماه مبارك رمضان از سوى خداوند نازل گرديد، نبى اكرم‏صلى الله عليه وآله‏به فرستاده خود فرمان داد كه در بين مردم اعلان نمايد كه خداى متعال بر شما زكات را واجب گردانيده همچنان كه نماز را نيز واجب كرده است، پس اى مسلمانان! زكات اموال خود را بپردازيد تا نمازهاى شما مورد قبول حق واقع گردد.»(28)

ب. پيامبر اكرم‏صلى الله عليه وآله‏فرمود:

«كسى كه زكات مال خود را نپردازد به نمازهاى او دستور داده مى‏شود كه به سوى او بازگردد، سپس آنها به سوى او بازگردانده شده و به صورت او زده خواهد شد و به او گفته مى‏شود: "اى بنده خدا! با نمازِ بدون زكات چه مى‏كنى"؟!»(29)

11- اعطاء هدايا و مواهب خاص بهشتى:

از ديدگاه رسول اكرم‏صلى الله عليه وآله‏يكى ديگر از آثار معنوى زكات، آن است كه اگر انسان با هدف جلب رضايت خداى متعال، دست به چنين كارى بزند، در برابر هر ذرّه‏اى كه به عنوان زكات به فقرا پرداخت كرده است، قصرى از طلا، نقره، لؤلؤ، زبرجد، زمرد، جواهر و نيز قصرى از نور خاص پروردگار هستى به او عنايت مى‏گردد.

در انتهاى اين حديث شگفت‏انگيز آمده است: هنگامى كه مسلمانان، اين وعده‏هاى روحبخش را از پيامبر شنيدند، در پاسخ گفتند: اى رسول خدا! ما اين توصيه شما را حتماً به گوش جان مى‏خريم و زكات مال خود را همواره پرداخت خواهيم كرد.(30)

12- شكرگذارى منعِم:

از ديدگاه احاديث، پرداخت زكات كه يك عبادت مالى به شمار مى‏آيد در واقع، شكرگذارى مالى دهنده زكات در مقابل آن معبودى است كه هميشه از مواهب گسترده خود، وى را بهره‏مند ساخته است؛ همچنان كه انواع عبادات بدنى مانند روزه و نماز به عنوان شكرگذارى جسمى انسان در برابر نعمت جسم، تلقى مى‏گردد.(31)

13- پيش‏گيرى از بدحالى در قيامت:

دهندگان زكات بايستى اين مژده را دريافت نمايند كه يكى از آثار ارزنده پرداخت زكات، نجات يافتن از پريشانى و اضطراب توصيف‏ناپذير اخروى مى‏باشد؛ زيرا مطابق آنچه از برخى احاديث استفاده مى‏شود زمانى كه زكات اموال، پرداخت نمى‏شود حال بى‏نياز و نيازمند، پريشان و نامطلوب مى‏گردد.

راوى مى‏گويد از امام سئوال كردم:

حال فقير به سبب آن كه حق او داده نشده بد مى‏شود، ولى حال شخص بى‏نياز چرا بد مى‏گردد؟! امام در پاسخ فرمود:

«شخص بى‏نيازى كه از پرداخت زكات مال خود خوددارى ورزد حال او در قيامت، بد و پريشان مى‏گردد، نه در دنيا.»(32)

14 - پيدايش رحمت و عطوفت به نيازمندان:

بنابر مضمون برخى احاديث، پرداخت زكات در ايجاد رحمت و رأفت نسبت به نيازمندن مؤثر است.

بدين معنا كه با انجام اين فريضه مالى به صورت خواسته يا ناخواسته، روزنه‏هاى مهربانى، صفا و صميميت در بين بندگان خدا گشوده خواهد شد.(33)

15 - دقت نكردن در حسابرسى مالى دهنده زكات در محشر:

از آثار معنوى نويد بخش براى كسانى كه توفيق انجام تكليف زكات را پيدا مى‏كنند اين كه در هنگام حسابرسى قيامت - كه از سخت‏ترين و وحشتناك‏ترين اوقات براى اكثريت بندگان الهى محسوب مى‏گردد - با دقت نظر و پرسشهاى پى در پى مأموران الهى رو به رو نخواهند شد.(34)

16 - پيش‏گيرى از مردن در حالت يهوديت يا نصرانيت:

در برخى از احاديث آمده است:

«كسانى كه ذره‏اى از زكات را نپردازند در لحظات تلخ و ناگوار احتضار كه براى بيش‏تر افراد، خروج روح از بدن با سختيها و تلخيهاى توصيف ناپذيرى همراه است، از سوى مأموران الهى به او گفته مى‏شود: مرگ براى تو حتمى است، اما يهودى يا نصرانى مردن را خودت انتخاب نما!»(35)

17 - پيش‏گيرى از هفتاد نوع مصيبت:

حضرت اميرمؤمنان‏عليه السلام‏از نبى گرامى‏صلى الله عليه وآله‏نقل فرمود كه رسول خدا هفتاد مصيبت و بلا، از جمله سوختن در آتش، غرق گرديدن در آب و ديوانگى را به زبان آورد و فرمود: تمام اينها با دادن زكات، مرتفع مى‏گردد.(36)

18- پيش‏گيرى از لعن و نفرين الهى:

از ديگر آثار معنوى زكات كه در سخنان نورانى نبى گرامى اسلام منعكس است آن كه كسانى كه زكات مال خود را پرداخت كنند از لعن خداوند در امان خواهند بود.(37)

19- پيش‏گيرى از شُحّ نفس:

عمل خداپسندانه زكات از ديدگاه احاديث مى‏تواند از پديد آمدن يكى از حالات بسيار منفى و خطرناك به نام «شُحّ» در انسان جلوگيرى كند.

شُحّ، مرتبه بالاتر و تندتر از صفت ناپسند «بُخل» را مى‏گويند كه اگر كسى واجد آن باشد به او «شَحيح» گفته مى‏شود.

شحيح به كسى مى‏گويند كه تمام آرزوى او آن است كه كليه نعمتهايى كه خداى متعال به ديگر بندگانش عنايت نموده، براى او باشد و هيچ كسى جز او از هيچ يك از مواهب و نعم الهى بهره‏مند نگردد.

چنين حالتى موجب مى‏گردد كه انسان تا لحظه مرگ از زرق و برقِ مال دنيا سير نگرديده و به هر آنچه خدا به او عنايت كرده نيز قانع نباشد.(38)

20- پيش‏گيرى از مجازات عصر ظهور ولى عصرعليه السلام:

بنا بر مفاد برخى احاديث، پس از ظهور با بركت حضرت ولى عصرعليه السلام‏ترك كنندگان زكات از سوى حكومت اسلامى به مجازات خويش رسيده و گردنهاى آنان زده خواهد شد.(39)

21- ابزار سنجش عشق و محبت راستين:

انسان چگونه مى‏تواند ادعاى عشق و علاقه به خالق محبوب خويش داشته باشد و در عين حال به مظاهر گوناگون دنيا، علاقه‏مند باشد، به گونه‏اى كه نتواند از بخشى از اموال خود در راه رضاى دوست، چشم پوشى نمايد.

پس در حقيقت پرداخت كنندگان زكات، با اين عمل شايسته و پرمعناى خود مى‏توانند ادعاى عشق‏ورزى خود به معشوق را در مرحله عمل به اثبات برسانند.

از برخى كسانى كه در اين ادعاى خويش كاملاً صداقت داشته‏اند پرسش كرده‏اند كه در هر صد درهم چه اندازه زكات واجب است؟

پاسخ داد: بر توده‏هاى مردم، همان مقدار شرعى؛ يعنى از صد درهم، پنج درهم، ولى بر ما دادن همه اموال در راه دوست لازم است.

چنان كه از صادق آل محمدعليه السلام‏نيز همين پرسش صورت گرفت و ايشان فرمود:

«زكات شرعى فلان مقدار است، امّا در واقع تو بايد اين گونه باشى كه هر مقدار كه برادر مؤمنت بدان نيازمند باشد، براى او آماده نمايى و در برابر او بى‏اختيار باشى!»(40)

پي نوشت :

1) ر.ك: تفسير نمونه، ج 20، ص 216.

2) بحارالانوار، ج 93، ص 8 و 9، حديث 4 و ص 12، ح 17 و ص 29.

3) ثواب الاعمال، ص 535، ح 8؛ بحارالانوار، ج 93، ص 20، ح 45.

4) فرق است بين دانستن و يافتن، دانش، كار عقل و يافتن كار فطرت است.

5) سوره آل عمران (3) آيه 180.

6) تفسير عياشى، ج 1، ص 207 و 208؛ بحار، ج 93، ص 20، ح 46 ؛ ثواب الاعمال، ص 52 و 53 و ح 2 و 3.

7) تفسير نمونه، ج 3، ص 190 و 191.

8) ثواب الاعمال، ص 529، ح 1.

9) همان، ص 529، ح 2.

10) به عنوان نمونه ر.ك: سوره اعراف (7) آيه 156؛ سوره توبه (9) آيه 71.

11) وسائل الشيعه، ج 6، ص 4 و 5، ح 6.

12) بحار، ج 93، ص 20، ح 44 و ص 27، ح 57 و ص 15، ح 31.

13) سوره فصلت (41) آيات 6 و 7.

14) تفسير نمونه، ج 20، ص 216 و 217.

15) تفسير ابوالفتوح، ج 10، ص 9.

16) وسائل الشيعه، ج 6، ص 18 - 20، احاديث 1 - 9؛ بحار، ج 93، ص 29 و ص 11، ح 12.

17) وسائل الشيعه،ج 6، ص 18 و 19 و ص 11، ح 12.

18) سوره مؤمنون (23) آيه 99 و 100.

19) الاخلاق، حسين مظاهرى، ج 1، ص 435.

20) مجمع البيان، ج 1، ص 97؛ بحار، ج 93، ص 5.

21) وسائل الشيعه، ج 6، ص 22، ح 1.

22) وسائل الشيعه، ج 6، ص 20، ح 1 - 5 و ص 7، ح 1.

23) بحار، ج 93، ص 16، ح 34.

24) بحار، ج 93، ص 19، ح 43 و ص 25، ح 57.

25) همان، ص 8، ح 4.

26) سوره بقره (2) آيه 177.

27) الخصال، شيخ صدوق، ج 1، ص 55؛ بحار، ج 93، ص 29، سطر 7 و 8 و 9 و ص 12، ح 17.

28) وسائل الشيعه، ج 6، ص 3، ح 1.

29) بحار، ج 93، ص 8 و 9، ح 4.

30) وسائل الشيعه، ج 6، ص 13، ح 11؛ بحار، ج 93، ص 16، ح 33.

31) معراج السعادة، ص 319.

32) وسائل الشيعه، ج 6، ص 13، ح 11؛ بحار، ج 93، ص 16، ح 33.

33) عيون الاخبار، ج 2، ص 57.

34) بحار، ج 93، ص 19، ح 42.

35) وسائل الشيعه، ج 6، ص 18، ح 5؛ ثواب الاعمال، ص 534، ح 7؛ بحار، ج 93، ص 20، ح 47.

36) بحار، ج 93، صفحات 23 و 24، ح 56.

37) دعائم الاسلام، ص 247 - 248.

38) وسائل الشيعه، ج 6، ص 22، ح 9 و 10.

39) ثواب العمال، ص 535، ح 8؛ بحار، ج 93، ص 21، ح 48.

40) معراج السعادة، ص 319.